



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دیروز یکی از أدله صاحب جواهر بر اینکه امر به معروف و نهی از منکر واجب کفائی است نه عینی به عرضتان رسید، دلیل دوم ایشان دو آیه از قران کریم در سوره آل عمران می باشد اول این آیه شریفه: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۱ و آیه بعدی: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۲، ملاحظه می کنید که در آیه ۱۰۴ کلمه "منکم" بکار برده شده ولی در آیه ۱۱۰ این کلمه نیست لذا بین مفسرین و فقهاء اختلاف نظر بوجود آمده که آیا "من" برای تبعیض است یا برای بیان؟ برخی از مفسرین هر دو قول را نقل کرده اند اما برخی مثل صاحب جواهر "من" را برای تبعیض گرفته اند و به آن برای واجب کفائی بودن امر به معروف و نهی از منکر استدلال کرده اند، آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه فرمودند واجب عینی است و منافاتی با اینکه بر همه واجب باشد ندارد منتهی عقلاء در چنین مواقعی یک افراد خاصی را برای انجام آن کار مشخص می کنند مثلاً گفته شده: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾^۳ یعنی همه مسلمانان باید چنین آمادگی داشته باشند ولی خب ما در بین خودمان افرادی را به عنوان ارتش و

سپاه و لشکر مشخص می کنیم زیرا همه که نمی توانند در یک شغلی مشارکت کنند ما نحن فيه نیز همین طور است علی أي حال چون این آیه مشتبه است و دارای چند معنای محتمل می باشد ما نمی توانیم به این آیه شریفه برای اثبات واجب کفائی بودن امر به معروف و نهی از منکر استدلال کنیم.

صاحب جواهر در ادامه به سراغ یک خبری رفته که بسیار مهم است از این جهت مهم است که ما در بحث بعدی در شرایط وجوب بحث خواهیم کرد که اولین آنها این است که کسی که می خواهد امر و نهی کند باید عالم به معروف و منکر باشد پس افرادی که جاهل هستند و نمی دانند در اسلام معروف و ارزش و منکر و ضد ارزش چیست از آنها ساقط می باشد، شرط دوم اینکه باید احتمال تاثیر داده شود لذا اگر احتمال تاثیر ندهد واجب نیست، شرط سوم اینکه ضرر نداشته باشد یعنی در صورتی واجب است که شخص آمر و ناهی از ضرر به خودش و اهل و عیالش محفوظ باشد.

به نظر بنده با چنین شرائطی بحث به این عظمت و با اهمیت و با وسعتی را خیلی کوچک شمرده اند و ما بعداً خواهیم گفت که مثلاً اگر کسی نمی داند خب آیا باید کلاً فریضه با این عظمت و وسعتی را ترک کند یا اینکه باید برود و معروف و منکرات را بشناسد.

ما شرط وجوب و شرط واجب داریم مثلاً دخول وقت شرط وجوب نماز ظهر است و یا استطاعت شرط وجوب حج است و یا مالکیت نصاب شرط وجوب زکات است که اینها شرط وجوب هستند یعنی تا حاصل نشوند تکلیف واجب نخواهد بود اما شرط واجب نیز داریم مثلاً گفته شده "أَقِمُوا الصَّلَاةَ" حالا تحصیل طهارت و یادگیری قرائت شرط واجب هستند یعنی باید برویم آنها را تحصیل کنیم، آیا در ما نحن فيه علم آمر و

^۱ سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.

^۲ سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

^۳ سوره انفال، آیه ۶۰.

ناهی شرط وجوب است یا شرط واجب؟ اکثراً می خواهند بگویند شرط وجوب است یعنی اگر نداند واجب نیست حتی امام رضوان الله علیه علم آمر و ناهی را شرط وجوب دانسته است، ایشان در تحریرالوسیلة بجهای بسیار خوبی در امر به معروف و نهی از منکر دارد و خیلی از مباحثی که صاحب جواهر مطرح نکرده ایشان ذکر کرده مثلاً در بحث ضرر صاحب جواهر تبعاً للمحقق فی الشرایع می فرماید اگر ضرر داشته باشد واجب نیست ولی امام رضوان الله علیه می فرماید اینطور نیست باید ضررها سنجیده شود شاید منکری باشد که باعث از بین رفتن اصل دین شود که در اینصورت باید متحمل شود و اگر اینطور نباشد مثلاً جریان کربلاء و شهادت ها و فداکاری ها همه باید متوقف شوند، حتی صاحب جواهر با توجه به آیه: "لا تلقوا بیدیکم إلى التهلكة" فرموده انسان در صورت بروز ضرر خودش را به هلاکت خواهد انداخت ولی ما می گوئیم این هلاکت نیست بلکه عین سعادت است که انسان در راه دین تحمل زحمات و جهاد کند و بعد به شهادت برسد و حتی صاحب جواهر می فرماید کار ابوذر که در مقابل عثمان قیام کرد و همچنین کار مومن آل فرعون نیز مخصوص خودشان بوده و به ما مربوط نیست و عمومیت ندارند، خلاصه اینها سه شرط (علم، احتمال تاثیر، عدم ضرر) گذاشته اند و با توجه به آنها مسئله امر به معروف و نهی از منکر با این وسعت و عظمت را بسیار کوچک شمره اند.

خوب و اما خبری که عرض کردیم بسیار مهم است و دستاویز صاحب جواهر می باشد این خبر است: ﴿عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمَ، عَنْ مُسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتَهُ يَقُولُ وَسُئِلَ عَنْ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْجِبَ

هو على الأمة جميعاً؟ فقال: لا، فقليل له: ولم؟ قال: إنما هو على القوي المطاع العالم بالمعروف من المنكر، لا على الضعيف الذي لا يهتدي سبيلاً إلى أي من أي يقول من الحق إلى الباطل، والدليل على ذلك كتاب الله عز وجل قوله: "ولتكن منكم أمة يدعون إلى الخير ويأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر" فهذا خاص غير عام، وكما قال الله عز وجل: "ومن قوم موسى أمة يهدون بالحق وبه يعدلون" ولم يقل: على أمة موسى ولا على كل قومه، وهم يومئذ أمة مختلفة، والأمة واحد فصاعداً، كما قال الله عز وجل: "إن إبراهيم كان أمة قانتاً لله" يقول: مطيعاً لله عز وجل، وليس على من يعلم ذلك في هذه الهدنة من حرج إذا كان لا قوة له ولا عدد ولا طاعة، قال مسعدة: وسمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: وسئل عن الحديث الذي جاء عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم: إن أفضل الجهاد كلمة عدل عند إمام جائر، ما معناه؟ قال: هذا على أن يأمره بعد معرفته، وهو مع ذلك يقبل منه وإلا فلا. ﴿

این حدیث هر سه شرط مذکور در کلام صاحب جواهر یعنی علم و احتمال تاثیر و عدم ضرر را شرط می داند حالا بعدا باید هم در سند و هم در معنی و مدلل آن بحث کنیم إن شاء الله تعالی. . . .

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على
محمد و آله الطاهرين